رغبت مهاجران، وقتی به کشوری با سطح زندگی بالاتر می روند، برای بازگشت به موطن اصلی کم می شود

مهاجران افغانستانی تمایلی به بازگشت ندارند!

«درطول تاریخ همیشه مهاجرت به دلایل مختلف وجود داشته؛ اما رفته رفته بر حجم و اهمیت آن افزوده شده است و به یکی از مسائل مهم در جوامع تبدیل گردیده که جنبه‌های مختلف آن به خصوص وجوه فرهنگی و اجتماعی آن نیازمند مطالعه است. کشور ما نیز همواره با پدیده مهاجرت روبه‌رو بوده است. ناامنی کشورهای همسایه موجب شده که ایران مقصد مهاجران پرشماری باشد و همواره پذیرای چندمیلیون مهاجر است. نگاهی به آمار پذیرش پناهندگان کشورهای جهان نشان می‌دهد، ایران طی حدود چهار دهه گذشته همواره جزء کشورهای پناهنده‌پذیر بوده است. علی‌رغم اینکه اقدام بشردوستانه ایران در پناه دادن به این جمعیت ستودنی است؛ اما گذشت زمان به‌دنبال خود تغییر ماهیت مسئله را به همراه داشته که تغییر رویکرد و سیاست‌ها درباره این مسئله را اجتناب ناپذیر کرده است.» مرکز رصد فرهنگی در مقاله‌ای که آبان ۱۴۰۲ با عنوان «وضعیت فرهنگی و اجتماعی مهاجرین افغانستانی» ارائه کرده، به ریشه‌یابی این موضوع پرداخته که بخش‌هایی از آن به همراه تحلیل رسانه‌ای در متن پیش‌رو منتشر شده است.

اکثریت مهاجران حاضر در ایران از کشور افغانستان و عراق هستند. بسیاری از عراقی‌ها پس از بهبود اوضاع عراق، به کشور خود بازگشتند و امروز فقط چند هزار عراقی در کشور حضور دارند؛ اما تعداد افغانستانی‌های حاضر در ایران همواره میلیونی بوده است و آخرین موج مهاجرتی افغانستانی‌ها به ایران، پس از استقرار مجدد طالبان در این کشور و از مردادماه سال ۱۴۰۰ آغاز شد، و در کمتر از یک سال حدود یک میلیون نفر پناهنده افغانستانی از راه‌های غیررسمی وارد کشور ایران شدند، بنابر اظهارات وزیر کشور در مهرماه سال ۱۴۰۲ و حدود دو سال پس از استقرار مجدد طالبان مجموع مهاجران افغانستانی حاضر در ایران به حدود ۵ میلیون نفر رسید که بیشترین رقم حضور این مهاجران در چهل سال اخیر است. همین مسائل موجب شده که ایران طی دهه‌های متوالی میزبان چند میلیون مهاجر و پناهنده و پناهجو باشد که همگی تحت عنوان مهاجر در ایران زندگی می‌کنند، به این معنا که هرزمان از مهاجرین در ایران صحبت می‌شود، همه این سه گروه را شامل می‌شود. درسالیان اخیر، ایران علاوه بر یک مقصد مطلوب به یک کشور گذار برای مهاجرت اتباع افغانستانی نیز تبدیل شده است. مقصد این دسته از مهاجران افغانستانی کشورهای اروپایی به‌خصوص آلمان است. این دسته از مهاجران ابتدا به ایران می‌آیند و سپس خود را به ترکیه می‌رسانند و پس از آن نیز به کشورهای مختلف اروپایی پناهنده می‌شوند.

امروز بیش از چهار و نیم میلیون مهاجر و پناهنده افغانستانی در ایران زندگی می‌کنند. مجموعه قوانین و سیاست‌های موجود اگرچه برای تشویق مهاجران و پناهندگان به‌منظور بازگشت به افغانستان و همچنین جلوگیری از مهاجرت‌های بیشتر وضع شده‌اند؛ اما با توجه به ماندگاری افغانستانی‌ها در ایران، پیامد ناخواسته این قوانین و سیاست‌ها، شکل‌گیری جمعیتی است که در سطح پایین‌تری از حقوق و دسترسی به خدمات در مقایسه با شهروندان ایرانی قرار دارد و مسیرها برای جذب و ادغام آن‌ها در کشور به‌لحاظ قانونی مسدود است. به‌نظر می‌رسد هرچه از زمان حضور این پناهندگان بیشتر می‌گذرد، ابعاد این مسئله به حدی درحال افزایش است که نادیده گرفتن آن در سیاست‌گذاری‌های آتی پیامدهای خسارت‌باری به همراه خواهد داشت. با توجه به شرایط دشوار اقتصادی افغانستان و تداوم تفاوت سطح استاندارد زندگی در دو کشور به‌نظر می‌رسد وقت آن رسیده است که دو پدیده «مهاجرت به ایران» و «مهاجران در ایران» به‌عنوان امری بلندمدت و نه مقطعی در نظر گرفته شوند (نصر اصفهانی، ۱۳۹۴).

با این وجود، مسئله آن است که سیاست‌های ایران در قبال مهاجران مقیم هیچ‌گاه پیشرو نبوده است و پیوسته با تمهیدات و رویکردهای واکنشی همراه بوده است. پیش‌بینی نکردن آینده باعث شده تا سیاست‌های ایران در قبال مهاجران افغانستانی همواره یک مرحله عقب‌تر و منفعلانه‌تر باشد. از سوی دیگر اختلاط سیاست‌های واکنشی گذشته باعث شده تا سردرگمی و بلاتکلیفی عظیمی در بین مهاجران افغانستانی ایجاد شود. همه ساله برای ساماندهی و اعطای مدرک به مهاجران مقیم، هزینه‌های زیادی دریافت می‌شود؛ اما بوروکراسی پیچیده باعث شده تا تعداد زیادی از مهاجران مقیم در ایران به رغم سابقه چند دهه حضور در ایران و تولد در این کشور باز هم نتوانند مدارک اقامتی خود را چند ماه به چند ماه تمدید کنند.

اتباع افغانستان باید به کشورشان بازگردند!

از ابتدای حضور پناهندگان افغانستانی در ایران موضع رسمی ایران این بوده است که «اتباع افغانستان باید به کشورشان بازگردند». بر این اساس آن‌ها به‌عنوان جمعیتی موقت در نظر گرفته شده و مجوز اقامت آن‌ها نیز به‌طور سالانه تمدید می‌شود و تضمینی برای ادامه یافتن آن هم وجود ندارد. از نظر دولت، حضور چند دهه ساله اتباع افغانستان در ایران تاکنون هم نتیجه اقدام انسان‌دوستانه برای پناه‌دادن جمعیتی جنگ‌زده بوده و تأمین جانی حضور مهاجران و پناهندگان افغانستانی هزینه زیادی برای ایران داشته است. درنتیجه این رویکرد، قوانین با دو هدف «ترغیب به بازگشت» و «جلوگیری از مهاجرت‌های بیشتر» تنظیم شده است. بنابراین در سیاست‌های کلی ایران «موقتی بودن حضور این جمعیت در کشور» مسلم فرض می‌شود و هدف، فراهم‌نمودن حداقل ضروریات برای این جمعیت خارجی است؛

ولی با گذشت بیش از چهار سال از حضور آن‌ها در ایران، واقعیت چهره‌ای برخلاف این تصور از خود نشان داده است. مهاجران افغانستانی تمایلی به بازگشت ندارند و به علل متعدد اصرار بر خروج آن‌ها از ایران غیرواقع‌بینانه است. این پدیده منحصر به ایران نیست و معمولا بسیاری از مهاجران وقتی به کشوری با سطح زندگی بالاتر می‌روند، تمایلشان به بازگشت به موطن اصلی کم می‌شود. شناخت ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی و اقتصادی مهاجران و پناهندگان ساکن ایران به خوبی تغییر ماهیت این پدیده را نشان می‌دهد. هرنوع سیاستگذاری واقع‌بینانه در خصوص این مسئله تنها با در نظر داشتن واقعیت موجود امکانپذیر است.

درحال حاضر مجموعه موانع قانونی و درنهایت مسدود بودن امکان دریافت اقامت دائم یا تابعیت و شهروندی و از سوی دیگر پیشداوری فرهنگی منفی بخش‌هایی از جامعه ایران نسبت به افغانستانی‌ها و برخورد نامناسب با آن‌ها سبب می‌شود تا محدودیت‌های قانونی و اجتماعی و فرهنگی برای جمعیت افغانستانی در ایران نسل به نسل منتقل شده و «امکان ادغام اجتماعی آن‌ها» در بدنه جامعه ایران مسدود شود و به گروه حاشیه‌ای بزرگی تبدیل شوند که آسیب‌های اجتماعی و روانی زیادی به همراه دارد. ضمن آنکه، شرایط اقتصادی و امنیتی بسیار ضعیف و شکننده افغانستان، امکان بازگشت را میسر نمی‌کند و بسیاری از خانواده‌ها پس از دو یا سه دهه زندگی در ایران ترجیح می‌دهند، در ایران بمانند و تمایلی به بازگشت ندارند. بنابراین سیاست‌های محدود کننده در کارکرد اصلی خود یعنی «تشویق به بازگشت» حداقل در مورد جمعیت فعلی ساکن ایران موثر نبوده است. این سیاست در ترغیب آن‌ها به بازگشت موفق نبوده و در عمل کارکرد آن‌ها سخت‌تر کردن شرایط زندگی است. نتیجه ناخواسته سیاست‌های موجود، شکل‌گیری جمعیتی از «شهروندان درجه دوم» است که به سبب برخوردار نبودن از حق زندگی دائمی در کشور، تنها به‌عنوان کارگر ساده خارجی به رسمیت شناخته می‌شوند و از بسیاری حقوق شهروندی محروم‌اند. ممنوعیت و محدودیت قانونی در انتخاب شغل، محل زندگی، برخوردار نبودن از حق مالکیت و محرومیت از بخش زیادی از یارانه‌های غذایی و بهداشتی و آموزشی مجموعه‌ای از قوانین را شکل می‌دهد که مرزهای این گروه غیرخودی را به طور قانونی مشروعیت می‌دهد. نبود امکان دریافت تابعیت سیاسی، حتی برای نسل‌های بعدی آنان نیز موجب می‌شود تا این محدودیت‌ها نسل به نسل منتقل شده و «امکان ادغام اجتماعی» آن‌ها در بدنه جامعه ایران مسدود شود. اگر حضور مهاجران و پناهندگان در ایران را امری دائم و نه موقت تصور کنیم، نگه‌داشتن آن‌ها به‌عنوان بخشی مجزا از جامعه ایران در سطح پایین‌تری از حقوق و امکانات به‌دنبال خود پیامدهای نامطلوبی به همراه خواهد داشت. ایران به‌عنوان یکی از سخاوتمندترین کشورهای جهان در پذیرش پناهندگان شناخته شده است؛ نتیجه این وضعیت تصویری منفی از ایران در افغانستان را شکل داده است که پیامدهای بلندمدت آن را نباید نادیده گرفت. از طرفی نسل دوم پناهندگان و مهاجران به‌لحاظ سطح انتظارات و شیوه زندگی از پدران و مادران خود تفاوت زیادی دارند و برخلاف آن‌ها کارگری در مشاغل پست را سرنوشت خود نمی‌دانند. این نسل جدید به دلیل موقعیت اجتماعی ضعیف خود توان عملی برای تغییر وضعیت ندارد و با توجه به خطر اخراج به نسلی مستاصل و سرخورده بدل شده است. «احساس محرومیت» در آن‌ها شدت زیادی دارد و نادیده گرفتن خواست این جوانان و بلاتکلیف و کم سواد نگه‌داشتن آن‌ها می‌تواند این بخش را به گروهی حاشیه‌ای و به‌شدت سرخورده بدل کند که آسیب‌های اجتماعی جدی برای آنان و جامعه ایرانی به‌دنبال خواهد داشت.

نگرش ایرانی‌ها درباره مهاجران افغانستانی

درباره نگرش ایرانیان نسبت به مهاجران افغانستانی، پیمایش‌های منظمی صورت نپذیرفته است، فقط در چند سال اخیر چند پیمایش انجام شده است. خبرگزاری ایرنا سال ۱۴۰۱ در این باره پیمایشی انجام داده و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات نیز در سال ۱۴۰۲ پیمایشی ملی با حجم نمونه میدانی کشوری انجام داده است. پیمایش ایرنا یک ویژگی دارد و آن دوقطبی بودن نظر جامعه ایران درباره ابعاد مختلف حضور مهاجران افغانستانی در ایران است. اینکه نیمی کاملا موافق‌اند و نیمی کاملا مخالف. از شهروندان تهرانی در این پژوهش پرسیده شد که «به نظر شما اصلی‌ترین دلیل حضور اتباع افغان در ایران چیست؟» یافته‌ها نشان داد که ۴۹/۵ درصد از مشارکت کنندگان در نظرسنجی ابراز داشته‌اند که بیکاری، اصلی‌ترین دلیل حضور افغانستانی‌ها در ایران است. همچنین ۴۵/۳ درصد افراد ابراز داشته‌اند که فرار از ناامنی، علت اصلی مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران است. از این بین تنها ۷ درصد از پاسخ‌دهندگان علت اصلی حضور اتباع افغانستانی در ایران را استفاده از امکاناتی مانند تحصیل و بهداشت و... دانسته‌اند و ۱/۸ درصد افراد هم علت مهاجرت به ایران را خشکسالی در افغانستان اعلام کرده‌اند. همچنین ۴۲/۸ درصد از مشارکت کنندگان مهمترین آسیب حضور مهاجران افغانستانی در ایران را بروز مشکلات اشتغال و دستمزد برای ایرانیان می‌دانند. ۲۹/۶ درصد از افراد پاسخگو، مهمترین آسیب حضور این مهاجران را افزایش بزهکاری و ایجاد ناامنی در جامعه ایران گزارش کرده‌اند. برهم زدن ترکیب جمعیتی از سوی این مهاجران با ۱۸/۶ درصد در رتبه بعدی قرار دارد. همچنین ۹ درصد از مشارکت کنندگان مهمترین آسیب حضور مهاجران افغانستانی را در مصرف امکانات عمومی ایرانی‌ها اعم از آب، برق، گاز، حمل و نقل، مدارس و مراکز درمانی می‌دانند.

درپیمایش پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات بیش از نیمی از شرکت کنندگان اعلام کرده‌اند، مهاجران افغانستانی بخشی از جامعه ایران شده‌اند و تنها یک سوم آن‌ها مخالف این موضوع هستند بیش از یک سوم پاسخگویان نیز حاضرند فقط مهاجر افغانستانی را به‌عنوان یک مهمان در کشور بپذیرند و بیش از یک سوم معتقدند مهاجران باید از کشور خارج شوند. تنها یک دهم حاضرند مهاجران افغانستانی را به‌عنوان یک شهروند و هم وطن بپذیرند.

مسئله دیگرسازی به تنش‌ها دامن می‌زند

از سوی دیگر تنها نگرش‌های جامعه ایران به افغانستانی‌ها منفی نیست، در کشور افغانستان هم نگرش‌های منفی درباره ایرانی‌ها وجود دارد، به طورکلی دو گفتمان در کشورهای ایران و افغانستان مانع از بیان واقعیت‌های مهاجران افغانستانی در ایران شده است. در داخل کشور، تمام مسائل جامعه ایران نظیر بیکاری، فقر، جرم و جنایت به حضور افغانستانی‌ها نسبت داده می‌شود و به آنان به چشم آسیب نگاه می‌کنند. در داخل افغانستان هم صحبت از استثمار کارگران افغانستانی و نیروی کار ارزان و نگاه منفی به جامعه ایران است. در مجموع، مسئله دیگرسازی به تنش‌ها دامن می‌زند. این ساختارهای دیگرسازی باید ترمیم شده و تکثر فرهنگی و تفاوت‌ها پذیرفته شود. اگر چنین ساختاری وجود نداشته باشد، افغانستانی‌ها به راحتی مقصر همه مشکلات شناخته نمی‌شوند. درنهایت نبود دستورالعمل‌های روشن رسانه‌ای و فقدان ضدبیان‌های نژادپرستانه در نظام رسانه‌ای و فرهنگی ایران موجب شده تا رسانه‌ها با دادن اطلاعات غلط، احساسات ضدمهاجر را تقویت کنند. از این رو نیازمند اتخاذ رویه‌های صریح سیاستی در این زمینه هستیم.

پیشنهاداتی برای اصلاح سیاست‌ها

براساس آنچه در این مقاله بر آن تأکید شد، باید گفت مهاجران و پناهندگان افغانستانی در ایران از حالت موقت خارج شده‌اند و جامعه ایران باید به‌جای بازگشت، خود را برای ادغام این جمعیت در کشور آماده کند. البته به چند دلیل تغییر وضعیت موجود آسان به نظر نمی‌رسد: دولت به سبب اینکه توان کنترل کامل مرزها را ندارد، هرگونه خدمات بیشتر به مهاجران افغانستانی را عامل مهاجرت‌های بیشتر می‌داند. به علاوه به دلیل محدودیت منابع، ارائه خدمات بیشتر به پناهندگان افغانستانی هم به‌عنوان افزایش هزینه تلقی می‌شود. از سوی دیگر افزایش حقوق و دسترسی به امکانات برای پناهندگان و مهاجران افغانستانی به معنای افزایش نارضایتی در میان اقشار فرودست و کارگرانی است که این خدمات و حقوق را حق خود می‌دانند و برایشان رقابت با پناهندگان و مهاجران افغانستانی بازی با جمع صفر است. (نصر اصفهانی. ۱۳۹۵).

با توجه به اینکه بنا به شرایط موجود امکان تغییر کوتاه‌مدت در سیاست‌ها وجود ندارد، مرکز رصد فرهنگی پیشنهاد کرده است، در گام اول پیامدهای منفی تداوم وضع موجود و در گام بعد ایجاد زمینه تغییر سیاست‌های کلی برای ادغام اتباع افغانستان در جمعیت ایران فراهم شود. البته این تغییر سیاست به معنای نادیده گرفتن شرایط عینی و محدودیت‌های موجود و به معنای تغییر یک باره وضعیت همه گروه‌های افغانستانی نیست، بلکه منظور فرآیندی تدریجی و با در نظر گرفتن ابعاد مختلف برای حل مسئله است که می‌توان آن را از قدیمی‌ترین گروه‌های ساکن در ایران و فرزندان آن‌ها آغاز کرد. باید در نظر گرفت که پناهندگان و مهاجران افغانستانی در ایران یک گروه همگن نیستند و هرگروه ویژگی‌های متمایزی دارد، که باید به طور خاص موضوع سیاستگذاری قرار گیرند. پیشنهادات درج شده در این مقاله ناظر به همه گروه‌ها و با توجه به وضعیت قانونی متفاوت آن هاست که در دو دسته «سیاست‌های قانونی اداری» و «سیاست‌های فرهنگی اجتماعی» ارائه شده‌اند. البته این سیاست‌ها در سه مقوله کوتاه‌مدت و میان‌مدت و بلندمدت جای می‌گیرند. منظور از اقدامات کوتاه‌مدت و میان‌مدت اقداماتی است که می‌توانند زمینه تغییر کلی سیاست‌ها را فراهم کند. اگرچه این اقدامات راه حل نهایی نیست، اما می‌تواند به تدریج زمینه تغییر قوانین و نگرش‌ها را فراهم کند.

در «بخش سیاست‌های قانونی و اداری»، تدوین سیاست‌ها و مقررات پذیرش مهاجر و پناهنده مورد اشاره قرار گرفته، چراکه در حال حاضر ایران هیچ سیاست کلی مدون و مصوبی برای پذیرش پناهنده و مهاجر ندارد و بنا بر مقتضیات عمل می‌کند. مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌تواند سیاست‌های مهاجرت را با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای آن و با رعایت مصالح امنیتی و سیاسی و مبتنی بر دیپلماسی فرهنگی کشور تدوین کند. یکی از زمینه‌های اقامت دائم، قانونی کردن فرآیند مهاجرت از طریق کنترل مرزهاست. تا زمانی که دولت نگران ورود پرتعداد مهاجران باشد، امکان بهبود شرایط زندگی آن‌هایی که در ایران زندگی می‌کنند، اندک است. درنتیجه کنترل ورود و خروج و همچنین مبارزه با گروه‌های قاچاق انسانی، می‌تواند به قانونی کردن فرآیند مهاجرت کمک کند. دربلندمدت، راه‌حل نهایی تغییر وضعیت پناهندگان ساکن ایران، فراهم‌آوردن امکان دریافت تابعیت ایرانی برای آن‌هاست. البته این فرآیند مانند هرکشور دیگر براساس منافع ملی و از طریق طی رویه‌های مشخص امکان‌پذیر خواهد بود. شباهت‌های فرهنگی و تاریخی دو ملت زمینه مناسبی برای ادغام اجتماعی آن‌ها در ایران فراهم کرده است که نیازمند تغییر نگرش به مسئله تابعیت و ایرانی بودن و همچنین تغییر قوانین مدنی ایران است. نسل‌های جدید پناهندگان افغانستانی مهمترین گروه کاندیدا برای دریافت تابعیت ایرانی‌اند. با توجه به ملاحظات سیاسی-امنیتی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌توان زمینه‌های تدریجی اقامت دائم افغانستانی‌ها را فراهم کرد. ابتدا دوره‌های اقامت را می‌توان به دو دوره موقت سه‌ساله تقسیم کرد و پس از دو دوره، یعنی ٦ سال، در صورت به‌دست آوردن شرایط لازم مانند نداشتن سوء پیشینه قضائی، سیاسی، امنیتی با محکومیت شدید و غیره به افراد اقامت دائم داده شود، تا آن‌ها بتوانند از شرایط شغلی و اجتماعی آن استفاده کنند.

در بخش سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی پیشنهادی نیز تأکید شده بر اینکه، باید زمینه ادغام اجتماعی و فرهنگی برای مهاجران و همچنین فرصت اشتغال قانونی برای کارگران فصلی را فراهم کرد. یکی از مشکلات اصلی پناهندگان و مهاجران، تجربه رفتارهای تبعیض‌آمیز و نوع بازنمایی رسانه‌ای آن‌ها در ایران به‌عنوان ریشه همه مشکلات است. ایجاد شناخت درباره جمعیت پناهندگان و مهاجران افغانستانی و مبارزه با عقاید قالبی و توجه به نقش این مهاجران در توسعه ایران می‌تواند بخشی از بدرفتاری‌ها را کاهش دهد. علاوه بر فراهم کردن امکان دریافت تابعیت ایرانی، سیاست‌های معطوف به ادغام اجتماعی و پیوند با جامعه مقصد اهمیت فراوانی در جلوگیری از حاشیه‌ای شدن مهاجران دارد. صرف اعطای تابعیت شاید از تبعیض آشکار در سطح نهادی بکاهد؛ اما همانطور که تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد، نابرابری نژادی و قومی به سادگی از بین رفتنی نیست. بنابراین سیاست‌های بلندمدت باید مبتنی بر ادغام اجتماعی و فرهنگی مهاجران و پناهندگان باشد. مطابق تجارب بین‌المللی دولت باید کاری کند که مهاجران بخشی از جامعه ما شده و استعدادهای آنان شکوفا شود، که این اقدام هم به نفع آنان و هم به نفع جامعه میزبان است. درنتیجه باید گفتمان خود را عوض کنیم و از این تصور که آن‌ها سربار هستند یا فضای جامعه را اشغال کرده‌اند، دوری کرد. درنهایت دولت ایران برای تغییر سیاست‌ها باید در صحنه بین‌المللی فعال باشد و کمک‌های بیشتری از مجامع بین‌المللی جذب کند. طبیعتا تغییر سیاست‌ها درباره پناهندگان و مهاجران افغانستانی به سود کشور است و در بُعد بین‌المللی هم دستاورد بزرگی به شمار می‌رود.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۷۰۰۹۰۰۳۸۸۵ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خرمدره تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم ناصرخسرو کلانتری فرزند فرض اله به ش.ش ۱۱۱۶۵ صادره از ابهر در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۱۱۳/۶۰ مترمربع از پلاک شماره ۸۱۹ فرعی از ۳۸ اصلی واقع در زنجان بخش ۳ حوزه ثبت ملک خرمدره خریداری از مالک رسمی (سیدیعقوب کاظمی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

ناصر کلانتری-رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۷۰۰۹۰۰۸۷۰۸ و ۱۴۰۲۶۰۳۲۷۰۰۹۰۰۸۷۰۷ و ۱۴۰۲۶۰۳۲۷۰۰۹۰۰۸۷۰۹ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خرمدره تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان خانم صدیقه منصوری به ش.ش ۱۴۲۴ کدملی ۶۱۵۹۳۷۳۲۲۶ صادره فرزند غلامحسین آقای محمدحسن نصیری راد به ش.ش ۱۷۶۴ کدملی ۶۱۵۹۳۷۶۶۲۴ صادره فرزند گرزعلی و آقای مهدی نصیری راد به ش.ش ۱۹۴۱ کدملی ۶۱۵۹۳۷۸۴۰۶ صادره فرزند گرزعلی اثلاثا در ۱۱۱ سهم مشاع از ۱۱۲ سهم ششدانگ عرصه بانضمام ششدانگ اعیانی یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۰۰۳/۸۵ مترمربع که ۱ سهم عرصه اوقافی می باشد در پلاک ۳۰ اصلی واقع در زنجان بخش ۳ حوزه ثبت ملک خرمدره خریداری از مالک رسمی (غلامحسن منصوری احدی از وراث رسول منصوری) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

ناصر کلانتری-رئیس ثبت اسناد و املاک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۷۰۰۲۰۰۹۰۳۵ مورخه ۱۴۰۲/۱۰/۱۰ به شماره کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۲۷۰۰۲۰۰۰۴۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ابهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علیرضا عابدینی فرزند رجب علی به ش.ش ۱۵۵۶ صادره از ابهر در یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۷۸ مترمربع پلاک ۱۸۳۰ فرعی از ۱ اصلی واقع در ابهر بخش سه زنجان خریداری از مالک رسمی خود متقاضی و سایر مالکین مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

سعید بهرامی
رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان بروجرد-سری ۵۴ جمعی

نظربه دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی بروجرد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

۱-تقاضای «علی گودرزی» فرزند «عبدالمحمد» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۲۷۳۰/۹۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۸۴۰» فرعی از «۷۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «هادی گودرزی»

۲-تقاضای «باقر کدخدا» فرزند «محمود» نسبت به «۳ دانگ مشاع از ۶ دانگ یک باب ساختمان مسکونی» بمساحت «۲۷۶/۵۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۷» فرعی از «۳۸۸۷» اصلی واقع در بخش «۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیم و باقر کدخدا»

۳- تقاضای «زهرا خودوستی» فرزند «احمد» نسبت به «۶ دانگ یک باب ساختمان مسکونی» بمساحت «۵۱/۰۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۹۴» فرعی از «۳۳۵۸» اصلی واقع در بخش «۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «زیور موسیوند»

۴- تقاضای «علی گودرزی» فرزند «عبدالمحمد» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۲۴۱۷/۲۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۸۴۱» فرعی از «۷۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد حسن گودرزی»

۵- تقاضای «جعفر بیاتی» فرزند «مهدی» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۱۸۰۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۹۳» فرعی از «۱۴» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد تقی افتخار الاسلام نبوی طباطبایی»

۶- تقاضای «حامد برخورداری» فرزند «حسن رضا» نسبت به «۶ دانگ یک باب ساختمان تجاری مسکونی» بمساحت «۷۲/۲۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱» فرعی از «۴۴۵۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «نور مراد کاکاوند»

۷- تقاضای «رحم خدا نصرالهی» فرزند «دوستعلی» نسبت به «۶ دانگ یک باب ساختمان مسکونی» بمساحت «۴۷۸/۵۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵» فرعی از «۳۷۵۶» اصلی واقع در بخش «۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «پرویز وثوقی»

۸- تقاضای «محمد بیرانوند» فرزند «قدرت اله» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۱۲۰۲/۸۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۸» فرعی از «۱۵۳» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خداداد ساکی»

۹-تقاضای «علی یاربیرانوند» فرزند «ژارعلی» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۸۸۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۲۶۹» فرعی از «۷۱» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «اجاقعلی کربلایی»

۱۰-تقاضای «غلامرضا قوامیان» فرزند «قوام» نسبت به «۴ دانگ از ۶ دانگ یک باب مغازه» علی محمد قوامیان فرزند غلامرضا نسبت به ۲ دانگ بمساحت «۶۳/۳۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۲» فرعی از «۴۳۱۴» اصلی واقع در بخش «۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامرضا و علی محمد قوامیان»

تاریخ انتشار نوبت اول: (۱۴۰۲/۱۱/۱۵)
تاریخ انتشار نوبت دوم: (۱۴۰۲/۱۱/۳۰)
شناسه آگهی: ۱۶۳۳۴۵۱

محمد آجرلو - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بروجرد

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان بروجرد-سری ۵۳ جمعی

نظربه دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی بروجرد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

۱- تقاضای «روح اله گودرزی» فرزند «حیدر» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۷۷۴۴/۱۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۵۱» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عظیم گودرزی»

۲- تقاضای «روح اله گودرزی» فرزند «حیدر» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین (محل بیشه)» بمساحت «۱۸۱/۱۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۵۴» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عظیم گودرزی»

۳- تقاضای «روح اله گودرزی» فرزند «حیدر» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۳۸۵۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۵۰» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عظیم گودرزی»

۴- تقاضای «غلام حسین صمدی» فرزند «محمد» نسبت به «۶ دانگ یک باب ساختمان مسکونی» بمساحت «۶۴۷/۱۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۵» فرعی از «۱۰۱۴» اصلی واقع در بخش «۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «صادق ریختمه چی-غلام حسین صمدی»

۵- تقاضای «محمد رضا مرزبانی» فرزند «علی حسین» نسبت به «۶ دانگ یک باب ساختمان مسکونی» بمساحت «۱۷۸/۴۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱» فرعی از «۳۱۹۹» اصلی واقع در بخش «۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی حسین مرزبانی»

۶- تقاضای «مریم بابایی» فرزند «علی» نسبت به «۶ دانگ یک باب ساختمان مسکونی» بمساحت «۸۸/۸۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۲۳» فرعی از «۳۶۱۱» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رضا امینی»

۷- تقاضای «شاهرخ مرادی» فرزند «نادر قلی» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۷۸۲۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۹۱۷» فرعی از «۶۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «نادر قلی مرادی»

۸- تقاضای «شاهرخ مرادی» فرزند «نادر قلی» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۷۸۷۱۶/۵۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۹۲۲» فرعی از «۶۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «نادر قلی مرادی»

۹- تقاضای «شاهرخ مرادی» فرزند «نادر قلی» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۱۳۹۳/۵۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۹۱۶» فرعی از «۶۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «نادر قلی مرادی»

۱۰- تقاضای «محمد بیرانوند» فرزند «قدرت اله» نسبت به «۶ دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۶۳۳۴/۴۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۹» فرعی از «۱۵۳» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رضا ساکی»

تاریخ انتشار نوبت اول: (۱۴۰۲/۱۱/۱۵)
تاریخ انتشار نوبت دوم: (۱۴۰۲/۱۱/۳۰) شناسه آگهی: ۱۶۳۳۴۲۶

محمد آجرلو - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بروجرد

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۲۷۰۰۱۶۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زهک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم صدیقه آتش فراز به ش.م ۵۳۳۹۳۲۵۹۸۹ در یکباب منزل به مساحت ۲۱۹/۳۹ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۰۴ فرعی از ۱۵-اصلی واقع در بخش ۵ زهک خریداری از مالک رسمی غلامعلی پدرام محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ م الف ۲۰۱

ابوذر شه بخش - رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان زهک

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۶۰۰۵۰۰۴۶۰۰ مورخه ۱۴۰۲/۱۰/۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نهاوند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی سازمان اوقاف و امور خیریه به ش.م ۱۴۰۰۲۹۶۷۰۵۸ در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۵۰۶/۹۷ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۱۵- اصلی واقع در بخش دو حوزه ثبتی شهرستان نهاوند اراضی روستای بابارستم محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰
م الف ۱۹۹۹

علیرضا غلامی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نهاوند

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۲

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳- آیین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رای جهت صدور سند مالکیت گردیده اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود.

۱-رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۳۷۷۶ در پرونده کلاسه ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۲۰۹ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای فرامرز کوهساریان فرزند نورعلی به ش.ش ۲۷ صادره از آزاد شهر دائر بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۰۳ مترمربع دارای پلاک شماره ۱۷۱۰ فرعی از ۱- اصلی واقع در گلستان بخش ۸ حوزه ثبتی ملک رامیان که انتقال ملک مع الواسطه از مالک رسمی آقای ابوالحسن رجبلو

در صورتی که اشخاص ذینفع به رای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰
م الف ۱۲۱۴۳

مجتبی گلچین
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان

آگهی فقدان سند

ورثه شادروان فاطمه محمدی گونده ره ضمن درخواست سند مالکیت سهم الارث خود و به استناد دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۱ ملارد مدعی است یک جلد سند مالکیت به مساحت پانصد و پنج مترو پنجاه دسیمترمربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۰۵۰۰ مترمربع به شماره ۲۳۹ فرعی از ۲۴ اصلی مفروز و مجزا شده از اصلی مزبور واقع در بخش ملارد که به شماره چاپی ۰۸۶۸۵۳ الف ۸۲ ذیل دفتر املاک ۱۰۶۱ صفحه ۲۱۲ به نام فاطمه محمدی گونده ره ثبت و سند صادر گردیده است که برابر سند انتقال به شماره ۶۷۰۹۵ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۱۶ دفتر ۹ کرج در اجرای ماده واحده مصوب ۱۶۵/۸/۸ از طرف هیات واگذاری زمین در مالکیت نامبرده قرار گرفته است به علت اسباب کشی مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است ،لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشوند تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق و یا سند مالکیت نزد خود میا شد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد

همایون خزایی سرپرست حوزه ثبت ملک ملارد از طرف حمیدرضا لطفی
م الف/۱۷۰۱

آگهی فقدان سند

ورثه شادروان فاطمه محمدی گونده ره ضمن درخواست سند مالکیت سهم الارث خود و به استناد دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۱ ملارد مدعی است یک جلد سند مالکیت به مساحت پانصد و پنج مترو پنجاه دسیمترمربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۰۵۰۰ مترمربع به شماره ۲۳۸ فرعی از ۲۴ اصلی مفروز و مجزا شده از اصلی مزبور واقع در بخش ملارد که به شماره چاپی ۰۸۶۸۴۷ الف ۸۲ ذیل دفتر املاک ۱۰۶۱ صفحه ۲۱۰ به نام فاطمه محمدی گونده ره ثبت و سند صادر گردیده است که برابر سند انتقال به شماره ۶۷۰۹۵ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۱۶ دفتر ۹ کرج در اجرای ماده واحده مصوب ۱۶۵/۸/۸ از طرف هیات واگذاری زمین در مالکیت نامبرده قرار گرفته است به علت اسباب کشی مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است ،لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشوند تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق و یا سند مالکیت نزد خود میا شد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد

همایون خزایی سرپرست حوزه ثبت ملک ملارد از طرف حمیدرضا لطفی
م الف/۱۷۰۲

آگهی فقدان سند

ورثه شادروان فاطمه محمدی گونده ره ضمن درخواست سند مالکیت سهم الارث خود و به استناد دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۱ ملارد مدعی است یک جلد سند مالکیت به مساحت پانصد و چهل و یک و پنجاه دسیمترمربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۱۲۵۰ مترمربع به شماره ۲۳۶ فرعی از ۲۴ اصلی مفروز و مجزا شده از اصلی مزبور واقع در بخش ملارد که به شماره چاپی ۰۸۶۸۴۳ الف ۸۲ ذیل دفتر املاک ۱۰۶۱ صفحه ۲۰۰ به نام فاطمه محمدی گونده ره ثبت و سند صادر گردیده است که برابر سند انتقال به شماره ۶۷۰۹۵ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۱۶ دفتر ۹ کرج در اجرای ماده واحده مصوب ۱۶۵/۸/۸ از طرف هیات واگذاری زمین در مالکیت نامبرده قرار گرفته است به علت اسباب کشی مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است ،لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشوند تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق و یا سند مالکیت نزد خود میا شد از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا به ضمیمه سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد

همایون خزایی سرپرست حوزه ثبت ملک ملارد از طرف حمیدرضا لطفی
م الف/۱۷۰۳

آگهی ابلاغ مفاد آراء صادره از سوی هیأت موضوع بند۲ ماده۱ قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن و ماده ۶ آئین نامه اجرایی آن مستقر در اداره ثبت اسناد و املاك اسلامشهر

نظر به اینکه طبق آراء صادره با تسلیم اسنادی عادی و برابر تصرفات اشخاص ذیل اسامی متقاضیان که تصرفات آنها از پلاک های اعلامی ذیل واقع در شهر اسلامشهر بخش ۱۲ تهران طبق بند (ج) ماده (۷) آیین نامه اجرایی قانون مذکور احراز گردیده ذیلا به استناد ماده ۱۰ آیین نامه اجرای قانون موصوف در یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراض داشته باشد، از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۲۰ روز اعتراض خود را به صورت مکتوب به اداره ثبت اسناد اسلامشهر تسلیم نمایند و ظرف مدت یکماه از تاریخ اعتراض دادخواست خود را مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و رسید گواهی دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم نمایند. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در موعد مقرر یا عدم تحویل گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسناد و املاک در اجرای مفاد رای صادره مبادرت به صدور سند مالکیت مفروزی بنام متقاضیان خواهد شد.

ردیف	رأی شماره	تاریخ رای	نام و نام خانوادگی	فرزند	کد ملی	میزان سهم	شماره قطعه	مساحت	مفروز و مجزا		واقع در
									فرعی	اصلی	
۱	۷۵۹	۱۴۰۲/۱۱/۰۹	حسن داودی	علی	۰۰۳۶۰۰۴۴۶۴	ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی	۳۲۸	۲۲۶/۵۴	۰۵۹	۴۰	بهرام اباد

رئیس ثبت اسناد و املاک اسلامشهر
ایزدی